

کارون آنلاین  
Karoun Online

نوید نیوز  
پایگاه

شیراز

فردوس  
فردوسی

پایگاه خبری شوشان

خبرگزاری پانا

م

باشگاه خبرنگاران  
بزرگترین خبرگزاری فارسی زبان دنیا

استان خوزستان  
جهاد

اکسپرس پرس  
پایگاه خبری تحلیلی خوزستان



خبرگزاری فارس

خبرگزاری ما

دانشگاه از نگاه

IRNA  
Islamic Republic News Agency

هماپرس  
پایگاه خبری تحلیلی خوزستان

کارون پرس  
جامعه تحلیلی خبری خوزستان  
یک جز تاره بگوان

ایلینا  
خبرگزاری کار ایران

خبرگزاری آریا

خبرگزاری پانا

تبرستان

پایگاه خبری تحلیلی  
آرانیوز  
NEWS

بولتن

روزنامه عمومی  
دانشگاه شهید چمران اهواز

شماره ۴۸۶



دوشنبه ۱ شهریور ۱۴۰۰ / ۱۵:۱۳ / کد خبر: ۱۴۰۰۶۰۱۶۴۹

عضو هیات علمی دانشگاه تشریح کرد

آخرین دستاوردهای تحقیقاتی دانشگاه چمران اهواز درباره ویروس کووید ۱۹

ایسنا/خوزستان عضو هیات علمی گروه زیست شناسی دانشکده علوم دانشگاه شهید چمران اهواز، آخرین دستاوردهای تحقیقاتی و علمی این دانشگاه بر روی ویروس عامل بیماری کووید ۱۹ را تشریح کرد.

دکتر محمدرضا دایر درباره فعالیت ویروس SARS-CoV-2 بیان کرد: تحقیقات انجام شده نشان داده که این ویروس به کمک پروتئینی سطحی موسوم به "اسپایک" یا سنبله به گیرنده خود در سطح سلول‌های بدن (ACE2) وصل می‌شود و ماده‌ی وراثتی را به درون سلول وارد می‌کند.

به گزارش ایسنا به نقل از دانشگاه شهید چمران اهواز، وی اظهار کرد: ویروس SARS-CoV-2 در مواجهه با موانع ایجاد شده توسط سیستم ایمنی بدن تغییراتی در ساختار سنبله خود ایجاد می‌کند تا بتواند از مانع سیستم ایمنی فرار کرده و گونه‌های جدید با بیماری‌زایی بیشتر مانند دلتا یا لامبدا را ایجاد کند.

عضو هیات علمی دانشگاه شهید چمران اهواز، بر این نکته تاکید کرد که در کنار ساخت و تولید واکسن که عمدتاً برای ایمن‌سازی افراد سالم استفاده می‌شود، یافتن داروهای موثر برای درمان افراد مبتلا نیز لازم و ضروری است.

دکتر دایر که پیش‌تر تحقیقاتی در زمینه‌ی "بررسی بیوانفورماتیکی تعداد زیادی از داروهای موجود برای یافتن داروی مناسب و مهار آنزیم پروتئاز این ویروس و معرفی داروهای موثر در این بیماری" را انجام داده است با اشاره به اینکه راهکارهای متعددی برای مقابله با این ویروس خطرناک وجود دارد، گفت: بر اساس تحقیقات انجام شده در این دانشگاه نخستین جایگاه برای مقابله با این ویروس، مهار آنزیم پروتئاز ویروس است که موجب جلوگیری از بلوغ ویروس‌های تکثیر شده در بدن و غیر فعال کردن آن می‌شود.

وی بیان کرد: در فاز دوم مطالعات انجام شده داروهایی مورد تحقیق و جستجو قرار گرفت که قادرند از اتصال سنبله ویروس به سلول‌های بدن جلوگیری کنند.

عضو هیات علمی گروه زیست شناسی دانشکده علوم، افزود: از آنجایی که علت مرگ و میر بیماران مبتلا به کرونا واکنش‌های التهابی غیر قابل کنترل بدن بیمار و نه عملکرد ویروس است، در فاز سوم تحقیقات، تحقیق بر روی داروهایی انجام شد که قادر به مهار مسیرهای التهابی می‌باشند.

دائر تصریح کرد: مرحله‌ی چهارم این تحقیقات بر روی مهار کننده‌هایی برای مهار آنزیم "فورین" که آنزیمی انسانی است و در تسریع ورود ویروس به سلول‌ها نقش کلیدی دارد، انجام شد.

وی اضافه کرد: با توجه به اینکه اثرات درمانی داروها عمدتاً از طریق برهم کنش آنها با گیرنده صورت می‌گیرد، از نظر علمی انتظار داریم و ممکن است داروهای شناخته شده برای درمان یک نوع بیماری در صورت مشابهت در عملکرد برای درمان بیماری دیگر هم مفید باشد.

این محقق دانشگاهی، خاطرنشان کرد: از این رو در تمامی این تحقیقات از داروهای شناخته شده، موجود و ارزان قیمت داخل کشور در مقایسه با داروهای ضد ویروسی شناخته شده استفاده شد تا در صورت تأیید اثر بخشی بالینی به راحتی در دسترس بیماران باشد.

دایر، گفت: حاصل تحقیقات انجام شده در این دانشگاه استخراج پنج مقاله‌ی پژوهشی مستقل، دو مقاله‌ی مشترک و سه طرح کارآزمایی بالینی مصوب است.

عضو هیات علمی دانشگاه شهید چمران اهواز با تأکید بر اینکه این دانشگاه آماده است تا یافته‌های علمی خود را در اختیار متولیان امر سلامت و درمان جامعه قرار دهد، افزود: متأسفانه به دلیل عدم وجود ارتباطی تعریف شده تا به حال نتوانستیم یافته‌های خود را به مدیران حوزه سلامت منتقل کنیم. محققان دانشگاه شهید چمران اهواز امیدوارند نتایج این تحقیقات بتواند در مدیریت بیماری مفید باشد.

لازم به ذکر است خبر فوق در خبرگزاری دانشجو منعکس شده است.

کد خبر: ۹۵۸۸۹۲- تاریخ انتشار: ۱۲:۴۵ - ۰۳ شهریور ۱۴۰۰

تحصیل بیش از ۶۸۸ دانشجوی خارجی در دانشگاه شهید چمران اهواز

معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز از افزایش پذیرش دانشجویان خارجی به عنوان یکی از اهداف تحقق برنامه‌ی بین‌المللی‌سازی دانشگاه نام برد.

به گزارش گروه استان‌های خبرگزاری دانشجو؛ به نقل از دانشگاه شهید چمران اهواز، علیرضا جلیلی‌فر، نفوذ دانش در تمامی عرصه‌های زندگی را یکی از مشخصه‌های عصر حاضر دانست و اظهار کرد: امروزه نظام‌های «تولید کالا و خدمات» با نظام‌های «تولید دانش و فناوری» یکپارچه شده‌اند و در درون نظام‌های «نوآوری» در تعامل تنگاتنگ با یکدیگر همزیستی و همکاری می‌کنند.

وی با تأکید بر نقش کلیدی دانشگاه‌ها در جامعه‌ی کنونی، بیان کرد: دانشگاه‌ها همگام با تحولات و دگرگونی‌های جهانی و به‌منظور پاسخگویی به نیازهای اقتضایی جوامع، به‌سوی تحول و مشارکت در الگوهای کارآفرینانه در حال حرکت هستند.

معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز، عنوان کرد: این معاونت نیز در یک سال گذشته با درک روندهای کلان ملی و بین‌المللی مؤثر بر آینده‌ی دانشگاه‌ها و اجتناب‌ناپذیر بودن تغییرات اساسی در مأموریتها و ارزش‌های حاکم بر دانشگاه‌های نسل آینده، با برنامه‌ریزی و مدیریت هدفمند ضمن التزام به پیروی از اسناد بالادستی و احکام برنامه‌ی ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی کشور، اقدام به ارائه‌ی مدل تحقق‌پذیری نسل جدید دانشگاه‌ها مبتنی بر «جامعه‌محوری و ارزش‌آفرینی» نموده و فعالیت‌های خود را بر اساس تحقق‌پذیری چنین رویکردی دنبال کرده است.

جلیلی‌فر در بخش دیگری از صحبت‌های خود با ارایه‌ی گزارشی از فعالیت‌های این معاونت از سال ۱۳۹۹ تاکنون، گفت: یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی بررسی عملکرد پذیرش دانشجویان خارجی است که دانشگاه شهید چمران اهواز در این زمینه توانسته است سهم دانشجویان خارجی این دانشگاه را از ۴/۸۰ صدم در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ به ۵ صدم در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ برساند. همچنین سهم دانشجویان غیردولتی دانشگاه در این بازه‌های زمانی از ۱۴/۴۰ صدم به ۱۵/۴ صدم، نسبت دانشجو به هیئت علمی تمام‌وقت از ۲۱/۷ صدم به ۲۲/۰۶ صدم، نسبت هیئت علمی استادیار به بالا به کل هیئت علمی تمام‌وقت از ۹۱/۴ صدم به ۹۲/۷۱ صدم رسیده است.

وی، اظهار کرد: در حال حاضر این دانشگاه دارای ۶۰۵ عضو هیئت علمی تمام وقت و ۱۳ هزار و ۳۴۸ دانشجو است که سهم دانشجویان تحصیلات تکمیلی به کل دانشجویان در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ به ۳۹/۳ رسیده است که روندی صعودی را نشان می دهد.

وی تأسیس شعبه‌ی برون مرزی مرکز آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان (آزفا) دانشگاه شهید چمران اهواز در شهر بصره در کشور عراق را یکی از مهم ترین برنامه‌های این مرکز دانست و گفت: تأسیس شعبه‌ی دوم این مرکز در شهر ناصریه‌ی عراق از دیگر اهداف مرکز آزفا است که راه اندازی آن در دست پیگیری است.

معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز، با اشاره به واگذاری دو کرسی زبان فارسی در دانشگاه کشورهای هندوستان و اتریش به این دانشگاه، خاطرنشان کرد: ابتدای امسال وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای گسترش و تمرکززدایی کرسی‌های زبان فارسی در دانشگاه‌های خارجی، ۱۰ دانشگاه داخلی فعال حوزه‌ی زبان فارسی را شناسایی کرده و تعدادی از کرسی‌های زبان فارسی در خارج از کشور را به دانشگاه‌های داخلی واگذار کرد؛ با توجه به فعالیت‌های مؤثر در حوزه‌ی زبان فارسی، کرسی‌های زبان فارسی دانشگاه‌های دو کشور هندوستان و اتریش به دانشگاه شهید چمران اهواز واگذار شده است.

معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز «بازنگری و همسو کردن وظایف برخی از مدیریت‌های وابسته»، «راه اندازی مرکز آموزش‌های مجازی و الکترونیکی دانشگاه و استقرار سامانه‌ی مدیریت یادگیری (LMS)»، «تدوین و تصویب ۱۷ شیوه‌نامه در حوزه‌های مختلف آموزشی»، «راه اندازی مرکز آموزش مستمر و مرکز آموزش‌های مجازی و الکترونیک اعضای هیئت علمی دانشگاه»، «دریافت مجوز رشته‌های جدید کاربردی با توجه به نیازهای منطقه‌ای» و «توسعه‌ی تحصیلات تکمیلی» و... را از جمله اقدامات این معاونت در سال گذشته برشمرد.

جلیلی فر در پایان خاطرنشان کرد: از ابتدای سال ۱۴۰۰ و با موافقت دفتر گسترش آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه شهید چمران اهواز موفق به دریافت مجوز سه رشته در مقطع کارشناسی ارشد و یک رشته در مقطع دکتری تخصصی شده است؛ این مجوزها شامل سه رشته‌ی «نانوفیزیک»، «حقوق خصوصی» به صورت مجازی و «حقوق جزا و جرم‌شناسی» به صورت مجازی در مقطع کارشناسی ارشد و رشته‌ی «میکروبیولوژی» در مقطع دکتری تخصصی است.



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی  
جندی شاپور اهواز



چهارشنبه ۳ شهریور ۱۴۰۰ / ۱۳:۱۸ - کد خبر: ۱۴۰۰۶۰۳۰۲۲۶۷

## ماجرای اختلاف بین دانشگاه شهید چمران و علوم پزشکی اهواز چیست؟

ایسنا/خوزستان رئیس دانشگاه شهید چمران اهواز با اشاره به اختلاف پیش آمده بین این دانشگاه و دانشگاه علوم پزشکی اهواز در خصوص ساخت باند هلی کوپتر در محدوده کوی استادان (کوی دانشگاه)، گفت: این زمین که مورد اختلاف است در محدوده کوی دانشگاه است و این محدوده نیز متعلق به هر دو دانشگاه است و باتوجه به توافقاتی که از سالیان گذشته صورت گرفته، هیچ دانشگاهی حق ساخت و ساز در این محدوده را ندارد.

غلامحسین خواجه در گفت‌وگو با ایسنا، درباره اختلاف پیش آمده بین دانشگاه علوم پزشکی اهواز و دانشگاه شهید چمران اهواز در خصوص ساخت باند هلی کوپتر در محدوده کوی استادان (کوی دانشگاه)، اظهار کرد: این زمین که مورد اختلاف است در محدوده کوی دانشگاه است و این محدوده نیز متعلق به هر دو دانشگاه شهید چمران اهواز و علوم پزشکی اهواز است و باتوجه به توافقاتی که از سالیان گذشته صورت گرفته، هیچ دانشگاهی حق ساخت و ساز در این محدوده را ندارد.

رئیس دانشگاه شهید چمران اهواز افزود: دانشگاه علوم پزشکی اهواز تخلف انجام داده و پیش از اینکه تکلیف این اراضی از نظر سهم دانشگاه شهید چمران اهواز و علوم پزشکی اهواز مشخص شود، اقدام به ساخت و ساز در محدوده کوی دانشگاه که نباید ساختی در آن صورت می‌گرفت، کرده است.

وی ادامه داد: براساس توافقی که در سال ۹۰ بین دو دانشگاه وجود داشته و دانشگاه علوم پزشکی از طرف هر دو دانشگاه نمایندگی داشت؛ سند را باید بگیرد و به نسبت دو به یک تقسیم کند. یعنی دو سهم برای دانشگاه شهید چمران و یک سهم برای علوم پزشکی است. اما متأسفانه تخلف صورت گرفته و دانشگاه علوم پزشکی اهواز بخشی از اراضی کوی دانشگاه را به ساخت و ساز فضای آموزشی و پژوهشی اختصاص داده است که این یک بحث اختلافی است و اساساً نباید صورت می‌گرفت.

خواجه با بیان اینکه دانشگاه علوم پزشکی اسنادی را به اسم خود گرفته است، تصریح کرد: آنها در واقع بر اساس توافق سال ۹۰ به نمایندگی از دو دانشگاه می‌توانستند سند بگیرند و بعد به نسبت دو به یک؛ یک سهم برای علوم پزشکی و دو سهم برای دانشگاه شهید چمران، تقسیم کنند اما متأسفانه این کار را نکردند و همه اسناد را به نام خود زدند که این تخلف آشکار است.

رئیس دانشگاه شهید چمران اهواز بیان کرد: محل رسیدگی به این تخلف، استان و استانداری نیست بلکه معاونت حقوقی ریاست جمهوری است. استاندار نیز نامه زده که چون سند به نام علوم پزشکی است، پس اراضی برای آنها



است، در صورتی که قانون این را نمی‌گوید و این مساله باید در معاونت حقوقی ریاست جمهوری پیگیری شود. این مساله باعث ایجاد اختلاف بین دو دانشگاه شده است. دانشگاه علوم پزشکی اهواز تخلف انجام داده است و باید در معاونت حقوقی ریاست جمهوری به آن رسیدگی شود. به جای اینکه سند را بگیرند و به نسبتی که عرض کردم تقسیم کنند، چرا همه اسناد را به نام خود زده و این تخلف آشکار را انجام داده‌اند؟

خواجه با بیان اینکه همه مستندات، صورت جلسات و توافقات موجود هستند، گفت: دانشگاه علوم پزشکی اهواز از شرایط کرونایی سوء استفاده می‌کند و باند هلی کوپتر را بهانه قرار داده است، در صورتی که اگر یک جستجوی ساده انجام دهید جای باند هلی کوپتر نزدیک بیمارستان گلستان تعیین شده است و در نقشه جامع علوم پزشکی اهواز، از سال‌ها قبل، جای باند هلی کوپتر مشخص شده اما علوم پزشکی اهواز در حال سوء استفاده از شرایط کرونایی است.

وی با اشاره به پیگیری حل این اختلاف، تصریح کرد: دانشگاه شهید چمران اهواز با این مساله مخالف است و صراحتاً به استانداری خوزستان گفته‌ایم که حق صادر کردن حکم به نفع علوم پزشکی را نداشته و اساساً اختیاراتی در این حوزه ندارند و فقط معاونت حقوقی ریاست جمهوری اختیاراتی در این خصوص دارد. کما اینکه اختلافات قبلی نیز در همان کمیسیون مورد بررسی قرار گرفت. در هر صورت متأسفانه استاندار نیز پاسخگو نیست.

رئیس دانشگاه شهید چمران اهواز در پایان با بیان اینکه اعضای هیات علمی نیز مخالف این مساله هستند و باید این کار در ابتدا متوقف شود و بعد کارهای حقوقی آن انجام شود، گفت: ما رسماً به استانداری نامه نوشتیم و بیان کردیم که به استناد آیین‌نامه‌هایی، رسماً در صدور حکم به نفع دانشگاه علوم پزشکی اختیاری ندارید و این مساله در اختیار معاونت حقوقی ریاست جمهوری است. این را به وزارت علوم نیز انعکاس داده‌ایم و در وهله اول به استانداری نیز نامه نوشتیم. همه اقدامات لازم را انجام داده‌ایم اما متأسفانه هیچ‌کسی پاسخگو نیست.

به گزارش ایسنا، امروز (سوم شهریور) جمعی از اعضای هیات علمی دانشگاه شهید چمران اهواز در اعتراض به ساخت باند هلی کوپتر در محدوده کوی استادان (کوی دانشگاه) تجمع کردند.



شنبه ۶ شهریور ۱۴۰۰/۱۲:۴۱ - کدخبر: ۱۴۰۰۶۰۶۰۴۰۳۴

در مطلبی به قلم سید مرتضی افقه؛

چند پیشنهاد برای رفع عقب ماندگی و توسعه خوزستان به رییس جمهور

ایسنا/خوزستان سید مرتضی افقه، عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز در مطلبی خطاب به سید ابراهیم رئیسی - به مناسبت اولین سفر رییس جمهور به استان خوزستان - که آن را در اختیار ایسنا قرار داده است، به بیان قابلیت‌ها و فرصت‌های استان خوزستان و ضعف‌ها و تهدیدها پرداخته و همچنین پیشنهادهایی برای رفع عقب‌ماندگی و توسعه استان خوزستان ارائه داده است.

به گزارش ایسنا، مشروح مطلب مرتضی افقه در ذیل آمده است.

جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای رئیسی، ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با اهدا سلام و آرزوی توفیق روزافزون برای حضرتعالی، ضمن خوش آمدگویی و تقدیر از حسن انتخاب خوزستان به عنوان اولین مقصد استانی خود، نکاتی پیرامون شرایط اقتصادی اجتماعی خوزستان عرض نموده، چکیده‌ای از "طرحی برای توسعه استان خوزستان" که آماده نموده‌ام را به استحضار می‌رسانم. امیدوارم این نوشتار کوتاه بینشی نو از زاویه‌ای دیگر برای برون رفت از مشکلات حاد کشور و استان در اختیار حضرتعالی قرار دهد.

مقدمه: قریب به هشت سال پیش وقتی آقای روحانی رئیس جمهور پیشین، خوزستان را به عنوان اولین سفر استانی خود انتخاب نمود، طی نامه‌ای سرگشاده توصیه‌هایی برای بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان خوزستان به ایشان ارائه نمودم. با این وصف، به دلایلی آن توصیه‌ها مورد اعتنا قرار نگرفت و به رغم تخصیص بودجه‌های نسبتاً مناسب به استان و تلاش‌های مدیران دلسوز، نه تنها بسیاری از مشکلات مزمن استان حل نشده بلکه امروز بسیاری از آنان به صورت بحران نمود یافته است. اکنون که جنابعالی نیز خوزستان را به عنوان اولین سفر استانی خود قرار داده اید مایلم پیشنهادهایی برای توسعه استان را تکرار کنم شاید اینبار مورد اعتنا یا حداقل نقد قرار گیرد. اما پیش از بیان پیشنهادات، لازم می‌بینم از همان سفر تجربه‌ای عبرت‌انگیز را بیان کنم:

آقای روحانی در سفر استانی خود به خوزستان در دی ماه ۱۳۹۲ در جمع مردم اهواز حاضر شد و انجام طرح‌های بزرگ اقتصادی در استان را به مردم وعده داد. برای من که با ساختارهای اقتصادی کشور و استان آشنایی نسبتاً مناسبی داشتم کاملاً واضح بود که انجام آن وعده‌ها در بازه زمانی ذکر شده نشدنی است. وعده رئیس جمهور را عیناً از متن سخنرانی ایشان در اهواز به نقل از رسانه‌ها ارائه می‌کنم: "اولین قدمی که دولت، قبل از این سفر





بحث‌هایش را انجام داده است و به حول قوه الهی آن را شروع خواهد کرد و در دولت یازدهم به اذن پروردگار آن را به ثمر خواهد رساند، کشاورزی استان خوزستان است. برای آماده کردن و زیر کشت بردن ۵۵۰ هزار هکتار از این استان نیازمند ۱۵۰۰ هزار میلیارد تومان هستیم که برای این رقم، دولت پیش‌بینی‌های لازم را انجام داده است. از طریق صندوق توسعه در طول ۳ سال آینده همه این زمین‌ها را آماده کشت خواهیم کرد و این کار بسیار بزرگی است که باید در این استان انجام شود." در این سخنرانی وعده داده شد که این طرح عظیم طی ۳ سال به انجام می‌رسد. اما طبق آخرین گزارش عملکرد، بعد از گذشت حدود هشت سال از اعلام آن وعده، از ۵۵۰ هزار هکتار زمین‌های یاد شده تنها حدود ۳۰۰ هزار هکتار به بهره‌برداری نهایی رسیده و ۲۵۰ هزار هکتار یعنی حدود ۴۵ درصد هنوز در مرحله مطالعاتی قرار دارد. در همان سال به یکی از مدیران وزارت کشاورزی اعتراض کردم که چرا بدون آگاهی از موانع پیدا و پنهان پیشرفت و توسعه، این وعده نشدنی را به رئیس‌جمهور توصیه کرده‌اید؟ وی با اعتماد به نفس کامل پاسخ داد: "ما با تخصیص یک و نیم میلیارد دلار از محل صندوق توسعه ملی، این کار را طبق وعده انجام خواهیم داد."

واقعیت آنست که یکی از مشکلات بسیاری از مدیران و حتی بسیاری از اقتصاددانان، وجود نگرش مهندسی و مکانیکی بر تصمیمات آنان است که تصور می‌کنند برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی تنها با تأمین منابع مالی طبق برنامه قابل انجام‌اند. در نوشته‌های زیادی تأکید کرده‌ام که، اگرچه وجود منابع مالی برای انجام طرح‌های اقتصادی لازم هستند، اما شرط کافی برای به نتیجه رسیدن آن‌ها وجود ده‌ها عامل دیگر است که در شرایط فعلی کشور وجود ندارند. در واقع آنچه مدیران با تفکر مهندسی و مکانیکی توجه نمی‌کنند، وجود موانع ساختاری متعددی است که انجام بسیاری از وعده‌ها را با مشکل جدی مواجه می‌کند. امیدوارم مسئولان جدید کشور و استان، در اعلام وعده‌های بی‌پشتوانه به مردم کشور و استان احتیاط کنند زیرا شاید این آخرین شانس برای خروج از بن‌بست‌های فعلی در کشور باشد.

حتماً می‌دانید که عدم تحقق وعده‌ها هم موجب از بین رفتن اعتماد مردم و سرمایه اجتماعی جامعه به عنوان یکی از مهمترین پیش نیازهای فرایند توسعه و هم موجب اتلاف سرمایه‌های مادی و انسانی و فرصت‌سوزی‌های جبران ناپذیر خواهد شد. حال با توجه به نکات فوق، متن نامه‌ای که هشت سال پیش خطاب به آقای روحانی نوشتم را با اصلاحاتی به تناسب تحولات زمانی، این بار خطاب به حضرت‌عالی تقدیم می‌نمایم. مطلبم را با برداشتی که من از مفهوم توسعه دارم آغاز می‌کنم:

مفهوم توسعه: از آنجا که بسیاری از تصمیم‌گیران و مدیران در بیانات خود سخن از توسعه به میان می‌آورند و معمولاً مفهوم آن الزاماً بین همه یکسان نیست، لازم است در این نوشتار ابتدا مفهوم توسعه را بیان نمایم. بر اساس ادبیات موجود و بر خلاف برداشت‌های سطحی بسیاری از تصمیم‌گیران و مدیران کشور، توسعه فرایندی تربیتی، اخلاقی و نرم افزاری (نه سخت افزاری) است که طی آن ارزش‌ها و هنجارهای غیر توسعه‌ای به ارزش‌هایی توسعه‌ای تبدیل می‌شوند. به زبانی دیگر: توسعه فرایندی است که انسان توسعه نیافته را (انسان با بینش غیر

توسعه‌ای یا ضد توسعه‌ای) به انسان توسعه یافته (انسانی با بینش توسعه یافته) ارتقاء می‌دهد. انسان توسعه یافته آن‌گاه منبع و مبدأ رشد و پیشرفت در همه ابعاد از جمله رفاه اقتصادی است.

بنابراین، از آنجا که توسعه فرایندی تربیتی است، زمانبر است؛ زمان را نمی‌توان حذف کرد اما با استفاده از عقل و اندیشه و ابزار لازم می‌توان آن را کوتاه کرد. لذا برای نیل به توسعه، پیش از آنکه سرمایه‌گذاری‌های فیزیکی و مالی با بهره‌گیری از درآمدهای حاصل از فروش نفت راهگشا باشند، سرمایه‌گذاری‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی در جهت تغییر نگرش انسان‌های با بینش توسعه نیافته به انسان‌های توسعه یافته زمینه‌ساز پیشرفت جامعه در همه ابعاد (توسعه) خواهد بود. بنابراین، بر خلاف تصور غلط بسیاری از مدیران، انجام سرمایه‌گذاری‌های کور و نامتوازن با تمسک به درآمدهای نفتی هر چند رشد اقتصادی ایجاد نمود اما منجر به توسعه به معنای واقعی کلمه نخواهد شد. به همین دلیل محصول چنین تفکری در کشور و استان رشد است نه توسعه؛ رشدی که موقتی و ناپایدار و متکی به درآمدهای نفتی است.

اکنون به صورت مختصر قابلیت‌ها و فرصت‌ها و نیز تهدیدها و موانع توسعه خوزستان را هر چند تکراری، مرور می‌کنم:

#### ۱- قابلیت‌ها و فرصت‌های استان خوزستان:

همانگونه که مستحضرید، استان خوزستان دارای قابلیت‌های بی‌نظیری به شرح زیر است:

برخورداری از بیشترین ذخایر نفتی کشور؛ برخورداری از ۳۰ درصد آب‌های جاری کشور که این امکان را فراهم کرده هفت سد عظیم برقابی را در خود داشته باشند و حدود ۳۰ درصد از انرژی مورد نیاز کشور را تأمین کنند؛ وجود صنایع ذوب و تولید فلزات اساسی، وجود مجتمع‌های عظیم پتروشیمی، موقعیت جغرافیایی و استراتژیک کاملاً بی‌نظیر شامل: سه نوع مرز خاکی، آبی (رودخانه‌ای) و آبی (دریایی)؛ همجواری با ثروتمندترین کشورهای منطقه و امکان روابط تجاری؛ قرار گرفتن در منطقه‌ای جغرافیایی متشکل از دو بخش کوهستانی و جلگه‌ای که ضمن برخورداری از تنوع نسبی آب و هوایی و امکان کشت‌های متنوع، از جاذبه‌های گردشگری کم‌نظیر طبیعی، تاریخی، مذهبی، صنعتی و سلامت برخوردار باشد؛ برخورداری از همه سیستم‌های حمل و نقل جاده‌ای، ریلی، هوایی و آبی (دریایی)، وجود ۹ کشت و صنعت نیشکر و صنایع جانبی و بیشترین نخلستان‌های کشور و قابلیت‌های کشاورزی متنوع و گسترده و امکان سه نوبت کشت در سال در برخی مناطق، وجود بنادر بزرگ صادراتی و وارداتی امام خمینی، خرمشهر و آبادان.

بدون تردید برای پیشرفت و رفاه اقتصادی وجود منابع طبیعی و مالی ضروری است اما بدون تردید محرک و منبع اصلی پیشرفت و رفاه اقتصادی جوامع، بهره‌مندی از انسان‌هایی با نگرش و بینش توسعه‌ای است نه صرفاً نیروهای متخصص یا ماهر. متأسفانه قابلیت‌های نرم‌افزاری و انسانی استان خوزستان در سایه فعالیت‌های نفت و سایر واحدهای بزرگ و ملی مستقر در استان محو یا کم‌رنگ شده‌اند. به همین دلیل در فرایند توسعه استان خوزستان، از توجه به نیروهای انسانی دلسوز و علاقه‌مند به پیشرفت استان معمولاً غفلت شده باعث مهاجرت یا انزوای آنان

شده‌اند. روند مهاجرت نیروی انسانی در همه سطوح و رده‌های تخصصی، علمی، تجربی و مهارتی گویای این واقعیت است. بنابراین می‌توان گفت که یکی از دلایل عقب‌ماندگی استان خوزستان، غفلت از ثروت انسانی موجود و توجه و تمرکز بیش از حد بر ثروت‌های مادی آن بوده و هست.

## ۲- ضعف‌ها و تهدیدها:

بسیاری از مدیران و تصمیم‌گیران استان برای توجیه بی‌تدبیری‌های خود نکاتی همچون جنگ هشت ساله، نبود یا کمبود بودجه، بی‌توجهی مسئولان مرکز به استان، انتخاب مسئولان غیربومی، شرایط اقلیمی و ... را دلیل عقب‌ماندگی استان عنوان می‌کنند، اما این نگرش سطحی به مسئله باعث شده است تا موانع اصلی و ریشه‌ای توسعه استان پنهان بمانند. برخی از این موانع به شرح زیر است:

۱- انتصاب مدیران ضعیف یا بسیار ضعیف در همه سطوح استان: اغلب مدیران استان طی دهه‌های گذشته سنخیتی با جایگاه و موقعیت استان خوزستان در سطح ملی و منطقه‌ای نداشته و ندارند. به علاوه، همین مدیران ضعیف نیز مشمول بی‌ثباتی و تغییرات مکرر بوده‌اند که خود عاملی برای اختلال در فرایند پیشرفت استان بوده است؛

۲- علاوه بر ضعف در توان مدیریتی و البته مهمتر از آن، بینش غیرتوسعه‌ای یا ضدتوسعه‌ای اکثر مدیران از دلایل دیگر عدم پیشرفت استان بوده است.

۳- وجود نگرش‌های غیرتوسعه‌ای در بین مردم و به خصوص نخبگان تأثیرگذار استان (شامل روشنفکران، دانشگاهیان، روحانیون، نمایندگان مجلس...).

۴- نحوه مدیریت واحدهای بزرگ و ملی مستقر در استان به گونه‌ای است که منافع‌شان به خارج از استان منتقل می‌شود و مضرات‌شان (آلودگی، تورم، تبعیض، تراکم...) در استان رسوب می‌کند؛ لذا، به دلیل بی‌تدبیری مدیران مرکزی و ضعف مدیران استانی، واحدهای بزرگ و ملی مستقر در استان، به جای عامل پیشرفت، به موانع پیشرفت استان تبدیل شده‌اند.

۵- نگاه رانتی و کام‌جویانه به مدیریت‌ها و مسئولیت‌ها و تشدید آن به دلیل بافت قومی در استان، باعث شده است که برخی نخبگان استان به جای توجه به شایستگی‌های نامزدهای مدیریت، به قومیت آنها توجه کرده و این وضعیت در بسیاری موارد به کشمکش و ائتلاف انرژی و زمان برای تعیین مسئولان استان در رده‌های مختلف تبدیل شده است. نتیجه آنکه مسئولان تصمیم‌گیر ذیربط، کمتر به انتخاب اصلح تن داده‌اند. به نظر می‌رسد دلیل این کشمکش آن است که در ذهن بسیاری از افراد، مسئولیت‌ها و موقعیت‌های اجرایی، امتیاز و رانت تلقی می‌شوند نه مسئولیت (به معنی پاسخگو بودن در مقابل عملکرد).

پیشنهاداتی برای رفع عقب‌ماندگی و توسعه استان:

۱- انتخاب مدیران توانمند و توسعه‌خواه: به دلیل جایگاه بسیار ویژه خوزستان در کشور، انتصاب و انتخاب مدیران در همه سطوح استان، باید افرادی با بینش توسعه‌ای و از بین قوی‌ترین و با تجربه‌ترین‌ها انجام پذیرد. در این راستا، استاندار خوزستان باید فردی توسعه‌خواه (به معنی بیان شده) و با تجربه موفق در سطح ملی و با اختیارات ویژه باشد. مدیر توسعه‌خواه فردی است که بتواند زمینه را برای پرورش انسان‌های توسعه یافته که خود مولد ثروت باشند، فراهم کند. متأسفانه بسیاری از مدیران ملی و استانی، تنها تخصص‌شان صرف بودجه و درآمدهای نفتی در طرح‌های کور و بعضاً نامتوازن است.

۲- یکپارچگی در مدیریت استان و واحدهای اقتصادی بزرگ و ملی مستقر در استان: مرور تحولات خوزستان از پایان جنگ تاکنون نشان می‌دهد که دولت‌های مرکزی، واحدهای ملی و بزرگ موجود در استان را به صورت جزایری جداگانه و با به کارگیری مدیران پرتجربه، قوی و موفق کنترل و مدیریت می‌کنند. جدا کردن واحدهای ملی از مدیریت استان باعث کم‌اهمیت شدن انتخاب مدیران استانی شده است. حاصل آنکه استان خوزستان به رغم قابلیت‌های ذکر شده، در تناقضی عجیب، به لحاظ شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی در سطح استان‌های محروم کشور قرار گرفته است. با این توصیفات، در صورتی که عزمی جدی توأم با تدبیر برای رفع عقب‌ماندگی خوزستان وجود داشته باشد، پیش از آنکه به فکر افزایش بودجه‌های استان باشید، باید به فکر انتخاب مدیرانی توسعه‌خواه (با تعریف فوق)، با تجربه، پرنگیزه، متخصص و با اعتماد به نفس باشید. چنین مدیرانی آنگاه قادر خواهند بود منابع مالی و طبیعی موجود را به نحو مطلوب و بهینه در مسیر پیشرفت و رفاه استان صرف نمایند. هرگونه انتخابی غیر از آنچه بیان شد باعث می‌شود همچون دهه‌های گذشته عقب‌ماندگی استان تداوم یافته، سرمایه‌های انسانی و طبیعی استان تلف شده و زمینه برای بروز مخاطرات اجتماعی سیاسی فراهم گردد. لازم به ذکر است که اغلب قریب به اتفاق افرادی که نامشان به عنوان استاندار ویژه استان در رسانه‌ها طرح شده است، فاقد این ویژگی‌ها هستند.

۳- مدیریت جزیره‌ای واحدهای ملی: که باعث شده بر خلاف انتظارات نظری و عملی، مضرات ناشی از فعالیت این واحدها (آلودگی، ازدحام و ترافیک، تورم و ...) در استان رسوب کرده و امواج توسعه‌ای آن‌ها (به قول فرانسوا پرو مبتکر نظریه قطب توسعه) به خارج از استان منتقل شود. با بهره‌گیری از مدیرانی با ویژگی‌های فوق، زمینه سازگار شدن منافع ملی و منطقه‌ای این واحدها در سطح استان فراهم می‌گردد.

۴- استان خوزستان (همچون کل کشور) از دو بخش کاملاً متمایز سنتی و مدرن در همه ابعاد اقتصادی و اجتماعی تشکیل شده است. لذا برای رفع عقب‌ماندگی هر بخش، برنامه‌ای مجزا و متناسب با ویژگی‌ها و ساختارهای همان بخش ضروری است. ارائه و اجرای طرح‌های کور، سطحی و یکسان با هدف رفع عقب‌ماندگی که تاکنون توسط بسیاری از مدیران و یا پیگیری برخی نمایندگان صورت گرفته نه تنها مشکلی از عقب‌ماندگی استان را برطرف ننموده، بلکه در بسیاری موارد شرایط را وخیم‌تر کرده است. به عنوان نمونه، تأسیس صنایع مدرن و سرمایه بر با

تکنولوژی‌های پیچیده همچون پتروشیمی یا صنایع فولاد در شهرهای کوچک و محروم که درصد قابل توجهی از کارجویان آن‌ها فاقد مهارت، تخصص و تحصیلات کافی هستند، نه تنها مشکل بیکاران آن شهرها را حل نکرده است بلکه موجب صدمات زیست محیطی و مشکلات اجتماعی ناشی از مهاجرت‌ها شده است.

در خاتمه امیدوارم با بهره‌گیری از نیروهای توسعه خواه، وطن دوست، دلسوز و متخصص زمینه کاهش یا حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی کشور و استان فراهم گردد.

لازم به ذکر است خبر فوق در خبرگزاری شوشان منعکس شده است.



شهریور ۱۴۰۰ / ۱۴:۳۷ - کد خبر: ۱۴۰۰۶۰۶۰۴۲۰۱

ایرانی تر از هر ایرانی؛ دکتر ویلم فلور هلندی

ایسنا/خوزستان مطلب حاضر به قلم دکتر عباس امام (نویسنده، مترجم، ایران پژوه و عضو هیات علمی دانشگاه شهید چمران اهواز) درباره پروفیسور ویلم فلور (ایران شناس) است.

وی در این مطلب که آن را در اختیار ایسنا گذاشته، می نویسد:

### ۱. مقدمه

پروفیسور ویلم فلور ایران شناس (زاده ۱۹۴۲) است و ۸۰ ساله که در ۴۰ سال گذشته ۴۰ کتاب درباره تاریخ، تمدن و فرهنگ ایران نوشته و حدود ۲۸۰ مقاله نیز در همین زمینه‌ها در نشریات گوناگون منتشر ساخته است که بسیاری از آنها به فارسی برگردانده شده‌اند. دکتر فلور با اینکه بیش از ۲۰ سال را به عنوان «کارشناس انرژی» در «بانک جهانی» مشغول به کار بوده و به اقتضای شغل خود دائماً در حال سفر به چهار گوشه جهان بوده است ولی هیچ گاه رابطه عمیق خود با بررسی و کندوکاو تاریخ، تمدن و فرهنگ ایران را قطع نکرده است به گونه‌ای که این جمله وی زبازد آشنایان با کار اوست که مرتب می گوید: «ایران، لیلی و من مجنون ایران‌ام». نوشته‌های استاد فلور در دانشنامه‌های معتبر ایرانیکا، دایره‌المعارف اسلام و نظایر آنها منتشر شده‌اند. وی بارها به ایران سفر کرده، به فارسی سخن می گوید، از مناطق بسیاری از ایران دیدن کرده، در محافل دانشگاهی و غیردانشگاهی ایران‌شناسی، چهره‌ای است شناخته شده و به خاطر تلاش‌ها و خدمات فرهنگی ایشان به ایران و ایرانیان جوایزی نیز در کشور به وی اهدا شده است.

### ۲. ایران‌شناسی

حوزه کاری دکتر ویلم فلور، زمینه‌ای است پژوهشی که در فارسی با عناوینی مانند «ایران‌شناسی» یا «ایران پژوهی» شناخته می‌شود و در انگلیسی با عناوینی مانند Iranian Studies, Iranology, Iranistics. این حوزه تحقیقی که هدفش کندوکاو در ابعاد گوناگون تمدن و فرهنگ ایران است عمدتاً از اروپا آغاز شده و دارای پیشینه پرباری در حدود بیش از دو و نیم قرن است. فعالان این زمینه هزاران نفر بوده و هستند که نتایج تحقیقات و یافته‌های خود را در قالب کتاب، مقاله، پایان‌نامه و غیره در اختیار دیگران قرار می‌دهند. حجم کار ایران‌شناسان آن چنان گسترده و عمیق است که هم حوزه تمدن و فرهنگ ایران پیش از اسلام را دربرمی‌گیرد و هم ایران دوران اسلامی را. اصولاً اغراق نیست که بگوییم بیش از ۹۰ درصد اطلاعات ما ایرانیان در زمینه زبان‌های ایران باستان، ادیان ایران باستان، سلسله‌های شاهان ایران باستان، باستان‌شناسی ایران باستان و تبلیغ برای



شناساندن ارزش‌های والای موجود در تمدن و فرهنگ ایران باستان با بهره‌گیری از منابع ایران‌شناسی صورت می‌گیرد. در زمینه دستاوردها ۵۰ رشته را در دانشگاه تهران آغاز کرد. در این دوران با محافل فرهنگی ایران آشنا شد و با شخصیت‌هایی مانند جلال آل‌احمد، آیت‌الله طالقان و مهندس بازرگان ارتباط برقرار کرد. با توجه به علایق فردی و تخصصی خود نیز که به زندگی طبقات پایین جامعه توجه خاصی دارد، بخشی از کارهای پژوهشی خود را روی نحوه کارکرد این طبقات صرف می‌کند. در سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۱) با گذراندن پایان‌نامه خود با عنوان «اصناف ایران در دوران قاجار» دکترای خود را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه لیدن هلند دریافت کرد. بعد راهی کشور آفریقای ساحل عاج می‌شود و در چند سالی که در آن دیار درگیر کارهای تعاونی‌های کشاورزی می‌گردد، در گوشه و کنار روستاهای دور دست و جنگل‌ها چندین مقاله درباره تاریخ ایران نوشته و منتشر می‌کند.

سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۴) به هلند برمی‌گردد و در «وزارتخانه تعاون جهان سوم» هلند مشغول به کار می‌شود. اینجاست که با بهره‌گیری از آرشئو ملی هلند (به ویژه آرشئو کمپانی هند شرقی هلند) در بین سال‌های ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۳ با گردآوری هزاران فیش و یادداشت درباره تاریخ روابط تجاری و سیاسی ایران و هلند از دوران صفویه تا قاجاریه به غنای اطلاعات سند - محور تاریخی خود درباره این برهه از تاریخ ایران می‌پردازد. همزمان، چندبار نیز به ایران سفر می‌کند و شاهد شکل‌گیری انقلاب ایران نیز می‌شود. بعد از انقلاب نیز چندین بار به ایران مسافرت و در محافل گوناگون علمی و فرهنگی شرکت می‌کند. در سال ۱۹۸۳، به دعوت بانک جهانی از هلند به واشنگتن می‌رود و در آنجا مسوول پژوهش امور انرژی در بانک جهانی؛ از انرژی خورشید و آب گرفته تا نفت و اتم و همچنان سخت درگیر تحقیق درباره تاریخ تمدن و فرهنگ ایران با نوشتن مقالات متعدد و کتاب. شگفت اینکه بیشترین آثار علمی ایشان درباره ایران در همین دوران تالیف و منتشر می‌شود، آن هم در شرایطی که وی بنابر الزامات شغلی ناچار بود هر چند صباحی را در یک گوشه از جهان پیگیر امور انرژی بانک جهانی باشد و شگفت‌تر اینکه دکتر فلور با این همه تالیفات (فهرست آثار، در پایان همین نوشتار و به نقل از زندیه، ۱۳۸۳) استاد رسمی هیچ دانشگاهی نیست و بلکه پژوهشگری است آزاد که با انگیزه شخصی و یادگیری دست به قلم می‌شود.

بی‌اغراق باید گفت از سال ۱۹۸۳ که دکتر فلور کار خود را در بخش پژوهش‌های انرژی بانک جهانی آغاز کردند تاکنون بیش از ۳۰ کتاب و بیش از ۲۸۰ مقاله منتشر کرده‌اند. در یک مورد به گفته خود وی: «در دانشنامه ایرانیکا مقالاتم آن قدر زیاد است که حتی نام بردن از آنها هم برایم دشوار است. از اصناف گرفته تا بیمه و بهره، تا چرم و چوب و ذغال سنگ و چاپ و تا تشکیلات اداری و امور خارجی ایران در دوران صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه.» (باحسینی، ۱۳۷۸، ص. ۱۰). شگفتی دیگر در کار دکتر فلور، این است که می‌گوید: «تا حالا، همیشه تنها کار کرده‌ام و هیچ کس نه به من پول داده و نه کمک کرده است. من همه کارهایم را با هزینه خودم انجام می‌دهم. کتابخانه مفصلی دارم که همگی را با پول خودم خریده‌ام. البته اخیراً خودم به سراغ یکی دو محقق ایرانی رفته‌ام و با هم کار می‌کنیم، مانند آقای دکتر محمد فغفوری» (باحسینی، ۱۳۷۸، ص. ۱۰).



با این اوصاف و با این همه، آثار تالیفی گوناگون و معتبر آریا اغراق است که با خود بیندیشیم و بگوییم که: «دکتر فلور از هر ایرانی ایرانی تر است؟»

### ۳. نقل قول‌های جنجالی

دکتر فلور با این همه گستردگی کارهای ارزشمند خود درباره تاریخ و فرهنگ ایران زمین، آنجا هم که احساس کند در پاره‌ای موارد با شخصیت‌های تاریخ ایران همدلی ندارد و یا در مواردی که در کندوکاو برخی رویدادهای تاریخ ایران با روایت‌ها و تفسیرهای رایج در ایران هم‌عقیده نیست، در خود محافل تخصصی یا عمومی درون ایران با صراحت لهجه دیدگاه‌های انتقادی و دگراندیشانه خود را بیان می‌کند. از جمله این گونه موارد می‌توان به نشست‌های اشاره کرد که ایشان در جریان پرسش و پاسخ به برخی حاضران در جلسه روز ۲۲ آذر ۹۵ (با حضور پژوهشگران تاریخ ایران، معاون سازمان اسناد ملی، رییس پژوهشکده اسناد، رییس هیات مدیره انجمن ایرانی تاریخ، مدیر سرای ایرانشناسی و دیگران) نکاتی غیرمنتظره برای حضار ایراد کرد که در زیر فقط اشاره وارد به آنها ارجاع می‌دهم ( <https://www.ihcs.ac.ir/fa>): ایران دوره اسلامی نیز ایرانشناسان کارهای فوق‌العاده ارزشمندی انجام داده‌اند که بی‌تردید شایسته سپاسگزاری هستند، از جمله پیشگامی در شاهنامه‌شناسی و شاهنامه‌پژوهی، تدوین تاریخ‌نگاری‌های عالمانه زبان و ادبیات فارسی، حفظ و نگاهداری از نسخ خطی فارسی و تصحیح و معرفی صدها نسخه خطی از موارث فکری - فرهنگی ایرانیان به ایرانیان، احیا و ترویج عملی فلسفه، عرفان و تصوف ایرانی، پژوهش‌های جغرافیایی ایران، پژوهش‌های فرهنگ عامه ایرانی، مطالعات قوم‌نگاری اقوام، طوایف و عشایر ایرانی، فرهنگ‌نگاری‌های یک زبانه و دو زبانه، اقدامات گسترده پژوهش - تبلیغی برای معرفی تمدن و فرهنگ ایرانی، همگامی عملی با ایرانیان وطن‌دوست و بسیاری مواردی دیگر. برای مطالعه دقیق‌تر موارد یاد شده، خوانندگان گرامی را به کتابی از همین صاحب قلم با این عنوان ارجاع می‌دهم «انیرانی، در خدمت فرهنگ و تمدن ایرانی» (امام، ۱۳۹۶). البته، بی‌تردید چند و چون ارزشی کار یکایک ایرانشناسان همگی در یک سطح نبوده و نیست. برخی کارهای فوق‌العاده ارزشمند کرده‌اند، برخی کارهایی متوسط ارایه داده‌اند و برخی نیز آثاری ضعیف و نه چندان درخور توجه و به راستی مگر آثار مولفان و مصنفان خود ما ایرانی‌ها همگی در یک سطح عالی و معتبر بوده است؟! ولی به هر روی، موفقیت‌ها و خدمات این پژوهشگران انیرانی به تمدن و فرهنگ ایرانی آن چنان گسترده و برجسته بوده که امروزه ایرانیان بسیاری به تقلید از سبک و سیاق تحقیقات ایرانشناسان غربی، آثار خود را عرضه می‌کنند.

• رشته را در دانشگاه تهران آغاز کرد. در این دوران با محافل فرهنگی ایران آشنا شد و با شخصیت‌هایی مانند جلال آل‌احمد، آیت‌الله طالقان و مهندس بازرگان ارتباط برقرار کرد. با توجه به علایق فردی و تخصصی خود نیز که به زندگی طبقات پایین جامعه توجه خاصی دارد، بخشی از کارهای پژوهشی خود را روی نحوه کارکرد این طبقات صرف می‌کند. در سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۱) با گذراندن پایان‌نامه خود با عنوان «اصناف ایران در دوران قاجار» دکترای خود را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه لیدن هلند دریافت کرد. بعد راهی کشور آفریقایی ساحل عاج



می‌شود و در چند سالی که در آن دیار درگیر کارهای تعاونی‌های کشاورزی می‌گردد، در گوشه و کنار روستاهای دور دست و جنگل‌ها چندین مقاله درباره تاریخ ایران نوشته و منتشر می‌کند.

سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۴) به هلند برمی‌گردد و در «وزارتخانه تعاون جهان سوم» هلند مشغول به کار می‌شود. اینجاست که با بهره‌گیری از آرشیو ملی هلند (به ویژه آرشیو کمپانی هند شرقی هلند) در بین سال‌های ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۳ با گردآوری هزاران فیش و یادداشت درباره تاریخ روابط تجاری و سیاسی ایران و هلند از دوران صفویه تا قاجاریه به غنای اطلاعات سند - محور تاریخی خود درباره این برهه از تاریخ ایران می‌پردازد. همزمان، چندبار نیز به ایران سفر می‌کند و شاهد شکل‌گیری انقلاب ایران نیز می‌شود. بعد از انقلاب نیز چندین بار به ایران مسافرت و در محافل گوناگون علمی و فرهنگی شرکت می‌کند. در سال ۱۹۸۳، به دعوت بانک جهانی از هلند به واشنگتن می‌رود و در آنجا مسوول پژوهش امور انرژی در بانک جهانی؛ از انرژی خورشید و آب گرفته تا نفت و اتم و همچنان سخت درگیر تحقیق درباره تاریخ تمدن و فرهنگ ایران با نوشتن مقالات متعدد و کتاب. شگفت اینکه بیشترین آثار علمی ایشان درباره ایران در همین دوران تالیف و منتشر می‌شود، آن هم در شرایطی که وی بنابر الزامات شغلی ناچار بود هر چند صبحی را در یک گوشه از جهان پیگیر امور انرژی بانک جهانی باشد و شگفت‌تر اینکه دکتر فلور با این همه تالیفات (فهرست آثار، در پایان همین نوشتار و به نقل از زندیه، ۱۳۸۳) استاد رسمی هیچ دانشگاهی نیست و بلکه پژوهشگری است آزاد که با انگیزه شخصی و یادگیری دست به قلم می‌شود.

بی‌اغراق باید گفت از سال ۱۹۸۳ که دکتر فلور کار خود را در بخش پژوهش‌های انرژی بانک جهانی آغاز کردند تاکنون بیش از ۳۰ کتاب و بیش از ۲۸۰ مقاله منتشر کرده‌اند. در یک مورد به گفته خود وی: «در دانشنامه ایرانیکا مقالاتم آن قدر زیاد است که حتی نام بردن از آنها هم برایم دشوار است. از اصناف گرفته تا بیمه و بهره، تا چرم و چوب و ذغال سنگ و چاپ و تا تشکیلات اداری و امور خارجی ایران در دوران صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه.» (باحسینی، ۱۳۷۸، ص. ۱۰). شگفتی دیگر در کار دکتر فلور، این است که می‌گوید: «تا حالا، همیشه تنها کار کرده‌ام و هیچ کس نه به من پول داده و نه کمک کرده است. من همه کارهایم را با هزینه خودم انجام می‌دهم. کتابخانه مفصلی دارم که همگی را با پول خودم خریده‌ام. البته اخیراً خودم به سراغ یکی دو محقق ایرانی رفته‌ام و با هم کار می‌کنیم، مانند آقای دکتر محمد فغفوری» (باحسینی، ۱۳۷۸، ص. ۱۰).

با این اوصاف و با این همه، آثار تالیفی گوناگون و معتبر آیا اغراق است که با خود بیندیشیم و بگوییم که: «دکتر فلور از هر ایرانی ایرانی‌تر است؟»

### ۳. نقل قول‌های جنجالی

دکتر فلور با این همه گستردگی کارهای ارزشمند خود درباره تاریخ و فرهنگ ایران زمین، آنجا هم که احساس کند در پاره‌ای موارد با شخصیت‌های تاریخ ایران همدلی ندارد و یا در مواردی که در کندوکاو برخی رویدادهای تاریخ ایران با روایت‌ها و تفسیرهای رایج در ایران هم‌عقیده نیست، در خود محافل تخصصی یا عمومی درون

ایران با صراحت لهجه دیدگاه‌های انتقادی و دگراندیشانه خود را بیان می‌کند. از جمله این گونه موارد می‌توان به نشست‌های اشاره کرد که ایشان در جریان پرسش و پاسخ به برخی حاضران در جلسه روز ۲۲ آذر ۹۵ (با حضور پژوهشگران تاریخ ایران، معاون سازمان اسناد ملی، رییس پژوهشگاه اسناد، رییس هیات مدیره انجمن ایرانی تاریخ، مدیر سرای ایرانشناسی و دیگران) نکاتی غیرمنتظره برای حضار ایراد کرد که در زیر فقط اشاره وارد به آنها ارجاع می‌دهم ( <https://www.ihcs.ac.ir/fa> ):

#### ۱. ایران صفوی متلاشی بود

دکتر فلور به موضوع اصلی بحث خود، یعنی اوضاع اقتصادی ایران در دوران صفویه تا قاجار پرداخت و ضمن تاکید بر اینکه برای فهم مسایل ایران در دوره صفویه به بعد خوب است به شرایط اقتصادی این کشور نگاهی بیندازیم، اظهار داشت: ما آمار دقیقی از جمعیت ایران آن زمان نداریم؛ اما به نظر می‌رسد جمعیت ایران در این زمان بین شش تا ۹ میلیون نفر باشد. اقتصاد ایران در این زمان کشاورزی بود یعنی ۸۵ درصد از درآمدش را از کشاورزی به دست می‌آورد. از این ۸۵ درصد، ۲۵ تا ۳۰ درصد ایلات و مابقی دهاتی بودند. در شهرها ۱۵ و برخی اوقات بیش از ۲۰ درصد مردم پیشه‌ور بودند. این ایرانشناس هلندی زاویه دید انسانی قرن بیستمی را برای تبیین دوران مورد بحث اشتباه دانست و افزود: ما اکنون از زاویه دید یک قرن بیستمی فکر می‌کنیم که با یک کشور متحد در این دوره طرف هستیم، در حالی که این گونه نیست؛ یعنی خراسان اصلا با خوزستان رابطه نداشت، آذربایجان از کرمان و رشت و بلوچستان خبر نداشت. این مساله بسیار مهمی است. اگر شما درکی از شرایط این دوران نداشته باشید نه فقط شرایط اقتصادی و سیاسی دوران صفویه که قاجاریه را هم درک نمی‌کنید.

وی سپس برای درک بهتر این مساله نظر مخاطبان را به کتابی به نام «تاریخ نان در ایران» که به تازگی به رشته تحریر درآورده جلب کرد: در آن کتاب نشان می‌دهم که مثلا در آذربایجان مردم آن قدر گندم داشتند که داشت از بین می‌رفت اما در مقابل در اصفهان گندم کمیاب بود و مردم داشتند از گرسنگی می‌مردند چراکه ایران قابلیت انتقال آن گندم مازاد را به مناطق دیگر نداشت. این خیلی مهم است. فلور از کشاورزی به عنوان بزرگترین بخش اقتصاد ایران در این دوره یاد کرد و گفت: مردم بیشتر برای مصرف خودشان تولید می‌کردند، مازاد آن را نیز برای پرداخت مالیات و حفظ زندگی‌شان در هنگام قحطی نگه می‌داشتند. غیر از کشاورزی، تولید زغال و فروش آن، نساجی و دامداری نیز وجود داشت. اما در کل جامعه ایران دچار فقری نهفته بود؛ شاه عباس برای جنگ با ازبکان ظروف طلای دربار خویش را خرد می‌کرد و یا به سربازان رسیده‌های چرمی می‌داد که پس از پیروزی و بازگشت به اصفهان در مقابل آن طلا دریافت کنند.

وی همچنین از ابریشم خام به عنوان تنها کالای صادراتی ایران در دوران صفوی یاد کرد و افزود: ایران جز ابریشم خام هیچ چیز دیگری نداشت که به نفع کشورهای خارجی باشد. شاید بگویید صنعت فرش داشت ولی فرش در این دوره اصلا صادر نمی‌شد. صادرات فرش از ۱۲۹۰ قمری شروع شد. حتما صادرات به صورت اندک وجود داشت؛

ولی آن قدری نبود که به لحاظ اقتصادی اهمیت داشته باشد. حتی منسوجات گران بهای دوران صفویه در آن زمان خیلی کم صادر می شد. ایران معدن طلا و نقره نداشت و تنها از طریق واردات و صادرات می توانست این فلزات را به دست آورد.

## ۲. خارجی ها به دنبال ثروت ایران آمدند! کدام ثروت؟

این پژوهشگر حوزه تاریخ در بخشی از سخنان خود به نقد نظر ایرانیان درباره حضور تاریخی خارجی ها در خلیج فارس پرداخت و گفت: من همیشه تعجب می کنم که در کتاب های ایرانی می خوانم و یا اینکه از ایرانی ها می شنوم که خارجی ها به دنبال ثروت ایران آمدند! کدام ثروت؟ از دوره صفویه به بعد خارجی ها برای ابریشم آمدند، بعد از آن حتی ابریشم هم نمی خواستند. ایران واقعا از نظر اقتصادی کشوری فقیر بود و از بابت صادرات بسیار محدود. مثلا اگر شما در آذربایجان بودید ممکن بود محصول داشتید و می فروختید اما از نظر کلی این موضوع در ایران عمومیت نداشت.

بنا بر بررسی های فلور، پشم و احشام تنها صادرات خام این دوران بود که البته میزان آن نیز بسیار اندک بود و همین موجب تراز منفی تجاری ایران می شد. «به همین خاطر هند بزرگترین صادرکننده به ایران بود. ایران به حد کافی مواد خام نداشت و برای به دست آوردن کالا باید پول می داد.» وی در ادامه با مطرح کردن این پرسش که پادشاهان ایران با چنین وضعیت اقتصادی از کجا پول و نقره می آوردند، این گونه پاسخ داد: «شاهان ایران برای گیر آوردن ثروت به همسایه ها حمله می کردند چراکه ایران کشوری کشاورزی بود و زمین در آن ارزش داشت. یعنی هر چه کشور بزرگتر می شد درآمد نیز بیشتر می شد ولی خب متاسفانه همسایه ها هم متقابلا به ایران حمله می کردند.»

به تعبیر فلور، ایران در اواخر دوره صفویه کشوری ورشکسته بود چراکه افغان ها هنگام حمله به اصفهان تمام خزانه ایران از نقره و طلا را بردند و تجارت از بین رفت. مصیبت دیگر این سرزمین حملات همسایه ها بود: «روسیه در گیلان، مازندران و قفقاز شرقی بود و عثمانی در قفقاز غربی و کرمانشاه. گیلان، مازندران و قفقاز جایگاه تولید ابریشم بود. با حملات عثمانی ها این تجارت مهم در قفقاز به دست عثمانی ها افتاد و ایران این درآمد را از دست داد و همچنین گیلان و مازندران در دست روس ها بود.»

## ۳. نادرشاه جلاد بود

به اعتقاد فلور ایران پس از سلطه نادرشاه کشوری درگیر جنگ بود و نادر از دیدگاه وی پادشاهی جلاد: «من همیشه تعجب می کنم که ایرانی ها یک مجسمه برای او ساخته اند و از او به عنوان قهرمان یاد می کنند، در حالی که هلندی ها به او می گویند جلاد. در اواخر حکومت نادرشاه مردم آن قدر از افشاریان خسته شده بودند که شورش می کردند و نادرشاه آنها را سرکوب می کرد.» وی از قندهار در این دوران به عنوان یکی از مراکز بسیار

مهم برای درآمد ایران یاد کرد که اهمیت آن به دلیل راه داشتن به هند از دو مسیر دریا و خشکی بود و پس از حمله افغان‌ها به دست آنها افتاده بود: «زمانی که نادرشاه قندهار را گرفت تجارت اهمیت خیلی کمی داشت. بنابراین اگر دولت ایران می‌خواست درآمدها را افزایش دهد باید به ایالت‌های یاغی و شورشی حمله می‌کرد تا این بی‌نظمی از بین برود و خب این حتما اتفاق افتاد.»

این ایران‌شناس هلندی سپس به آمار تلفات انسانی در اصفهان هنگام حمله افغان‌ها اشاره کرد و گفت: «تحت سلطه افغان‌ها و به ویژه در محاصره اصفهان تعداد زیادی از مردم کشته شدند. هلندی‌هایی که در آن زمان در اصفهان بودند، وقایع روزانه را یادداشت می‌کردند. توصیفات آنها از این دوران وحشتناک است؛ بنا بر آماری که آن‌ها ارائه داده‌اند در سال ۱۷۳۵، نود درصد از جمعیت اصفهان کشته شدند. شهرها، قصبات و دهات دیگر هم وضع بهتری نداشتند. غیر از جنگ، طاعون و وبا نیز همه‌گیر شده بود. اگر مردم محاصره شده از گرسنگی نمی‌مردند بعدا نادرشاه آنها را می‌کشت، مخصوصا بعد از اینکه از هند برگشت. زمانی که نادرشاه درگذشت ایران واقعا از هر لحاظ کشوری بیچاره بود. تعداد زیادی از مردم از بین رفته بودند و این بدین معنی است که وقتی شما کارگر کمتری دارید تولید پایین‌تری هم خواهید داشت. آنچه فلور به عنوان راهکار حکومت در این زمان برای حل مشکل اقتصادی مطرح کرد، افزایش فشار مالیاتی بر مردم فرودست بود: «شاهان و خوانین مالیات بیشتری از مردم می‌گرفتند و نتیجه این بود که از نظر گمرک درآمد کمتر شده بود چون تجارت کاهش یافته بود پس واقعا از نظر اقتصادی پادشاهان آن زمان مشکلاتی بزرگ داشتند.»

وی سپس درباره مصائب مالی حکومت نادرشاه، وضعیت درآمد و نیز راهکار آن برای کسری بودجه - به تعبیر امروزی - گفت: «در سال ۱۷۴۰ درآمد امکانی ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان بود ولی آن زمان نادر برای مخارج ارتشی که بعضی اوقات تعداد نفرات آن به بیش از ۲۰۰ هزار نفر می‌رسید دست کم به ۲ میلیون احتیاج داشت پس فقط ۳۰۰ هزار تومان برای مخارج دیگرش باقی می‌ماند؛ یعنی بودجه نقصان داشت. چطور آن‌ها این مساله را حل کردند؟ اولاً مالیات‌ها بالا رفت و آن را با فشار از مردم گرفتند. نادرشاه تمام اوقاف را گرفت ولی نکته مثبت ماجرا این بود که به مستوفیان دستور داد که فهرستی دقیق از درآمد هر بخش ارائه کنند، این فهرست آن قدر خوب بود که حتی تا دوره محمدشاه نیز از آن استفاده می‌شد. همچنین دخالت دولت از طریق دلالی در تجارت بیشتر شد، برای چندین سال هم امتیاز تجارت ابریشم خام در گیلان و مازندران اجرا شد. از طرفی نیز از عیار سکه‌ها روزبه‌روز کاسته می‌شد. پس از سال ۱۷۳۲ در معاملات ایران نقره خیلی کم و طلا اصلا نبود. بنابراین سکه‌های برنجی مهم‌ترین وسیله مبادلات تجاری شد. شاه به طور مرتب عیار پول را پایین می‌آورد. در ۱۷۶۳ کریم‌خان زند صادرات سکه را قدغن کرد ولی بعد از ۱۷۳۲ نقره خیلی کم بود. همچنین وزن و عیار سکه‌ها کمتر شد به طوری که تجار حاضر به قبول این پول‌ها نبودند. مثلا هلندی‌ها این سکه‌ها را صادر کردند و ۱۰ تا ۲۰ درصد ضرر کردند. فلور در ادامه درک بهتر این شرایط، مخاطبان را به یکی از کتاب‌های در حال چاپ خود به نام «تاریخ پول ایران» ارجاع داد.

دوره زندیه نیز از نگاه فلور به لحاظ اقتصادی دست کمی از دوران افشاریه نداشت و حتی بدتر از آن دوران بود چراکه اکثر ایالت‌های شمالی مخصوصاً آذربایجان، قفقاز و حتی گیلان نیمه‌مستقل بودند و تنها از سکه کریم‌خان استفاده می‌کردند ولی اصلاً به او مالیات نمی‌دادند و وقتی کریم‌خان فوت کرد، دوباره یاغی شدند. همچنین بر سر به دست آوردن قدرت بین برادران و پسرعمویش اختلاف افتاد. ایران دوباره درگیر جنگ شد و تجارت رو به افول نهاد. به عقیده وی هلندی‌ها به دلیل همین وضعیت وخیم اقتصادی در ۱۷۶۴ از خلیج فارس می‌روند چراکه برایشان فایده‌ای نداشت: «تجارت آن قدر بد بود که آنها فقط ضرر می‌دادند. انگلیسی‌ها هم همین طور، آنها در ۱۷۷۲ تصمیم گرفتند از خلیج فارس بیرون بروند ولی یک اقامتگاه را در بوشهر و بصره نگه داشتند آن هم نه به منظور تجارت بلکه آن زمان بین فرانسه و انگلستان جنگ بود و انگلیسی‌ها می‌خواستند از لحاظ استراتژیک روابط پستی سریعی از هند به اروپا داشته باشند به خاطر این بود که مردم در دوره قاجار شکایت داشتند که انگلیسی‌ها در آنجا چه کار دارند.»

#### ۵. در دوران قاجار ایران نظم گرفت

وی از به قدرت رسیدن قاجارها به عنوان نقطه عطفی در تاریخ ایران پس از ۸۰ سال فطرت یاد کرد و افزود: در دوره قاجار دوباره ایران کشوری منظم شد، تجارت، جمعیت و تولیدات کشاورزی افزایش یافت و ایران دوباره به شرایط عادی بازگشت. می‌شود گفت پیش از آن ۸۰ سال ایران در حال جنگ بود و مردم اصلاً امید نداشتند. این ایران‌شناس هلندی در پایان سخنان خود گریزی هم به حضور انگلیسی‌ها در خلیج فارس زد و برخلاف باور رایج که حضور انگلیسی‌ها در خلیج فارس را به ضرر ایران می‌داند، آن را مثبت ارزیابی کرد و گفت: «زمانی که قاجارها به قدرت رسیدند، اروپایی‌ها اصلاً در خلیج فارس تجارت نمی‌کردند بلکه اکثر تجار آنجا هندی‌ها و اعراب بودند؛ آنها مالیات به انگلیسی‌ها می‌دادند چون آن زمان انگلیسی‌ها پادشاه هند بودند.» وی همچنین نقش ایران در خلیج فارس را تا این زمان بسیار کم‌رنگ دانست و افزود: «وقتی انگلیسی‌ها به خلیج فارس آمدند نه ایران در آنجا فعالیت می‌کرد و نه عثمانی، ایران تنها بعد از سال ۱۸۸۲ فعالیت خود را در خلیج فارس آغاز کرد. در هر صورت انگلیسی‌ها خیلی خدمت کردند و خلیج فارس را از حضور دزدان زدودند.»

#### ۴. جایزه‌های خارجی و داخلی

۱. جایزه «پرکارترین پژوهشگر هلندی مسایل خاورمیانه» در هلند
  ۲. جایزه جهانی «کتاب سال جمهوری اسلامی ایران» در هفدهمین دوره برگزاری آن آیین
  ۳. جایزه کتابفروشی آینده با همراهی بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، کانون زبان فارسی و مجله بخارا (سال ۱۳۹۵)
  ۴. جایزه هشتمین دوره جشنواره بین‌المللی فارابی (ویژه تحقیقات علوم انسانی و اسلامی)
  ۵. تقدیر به مناسبت پژوهش‌های مرتبط با بوشهرشناسی و مطالعات خلیج فارس (در آیین پاسداشت خدمات دکتر فلور در بوشهر)
- نمایه برخی آثار دکتر ویلم فلور



یکشنبه ۷ شهریور ۱۴۰۰ / ۱۵:۵۷ - کد خبر: ۱۴۰۰۰۶۰۷۰۵۱۴۳

## «احوال‌پرسی از دانشجویان» توسط دانشگاه شهید چمران اهواز

ایسنا/خوزستان رئیس مرکز مشاوره دانشگاه شهید چمران اهواز از پایش وضعیت روحی روانی حدود ۸ هزار دانشجو در طرح «احوال‌پرسی از دانشجویان» خبر داد.

فرخنده دنیوی‌زاده در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: طرح «احوال‌پرسی از دانشجویان» توسط وزارت علوم از چند ماه گذشته اجرایی شده و در حال انجام است. هدف از اجرای این طرح ارتباط گرفتن با دانشجویان و بررسی وضعیت روحی روانی آن‌ها است. در واقع هدف اصلی پایش وضعیت روحی، روانی در دوران کرونا است، با توجه به اینکه در این دوران اغلب دانشجویان از حضور در اجتماع به دور هستند.

وی ادامه داد: علاوه بر پایش وضعیت روحی و روانی دانشجو، میزان ابتلای افراد خانواده به کرونا نیز بررسی می‌شود. همچنین میزان رضایت دانشجویان از آموزش مجازی پایش می‌شود و در نهایت اطلاعات به دست آمده برای دفتر مرکزی مشاوره و سلامت وزارت علوم ارسال می‌شود.

رئیس مرکز مشاوره دانشگاه شهید چمران اهواز با اشاره به تعداد دانشجویان شرکت کننده در این طرح، گفت: تاکنون حدود ۸ هزار دانشجو پایش شدند. برخی از دانشجویان بیان می‌کردند که وضعیت کرونایی روی رفتار و خلق آن‌ها تأثیر منفی داشته است، زیرا ارتباطات اجتماعی کاهش پیدا کرده است.

دنیوی‌زاده در پایان با بیان اینکه اغلب دانشجویان به دلیل وضعیت پاندمیک تعامل چندانی به صورت حضوری با هم‌سن و سال‌های خود ندارند و همچنین غیرحضوری بودن کلاس‌ها باعث گوشه‌گیر شدن دانشجویان شده است، گفت: یکی از رهاوردهای بسیار خوب طرح این بود که وقتی از مرکز مشاوره دانشگاه با هر دانشجو تماس گرفته می‌شد، می‌توانستیم از لحن دانشجو متوجه شویم که احساس رضایت به او دست داده که در این وضعیت، دانشگاه به فکر آن‌ها است.